

کتابخانه‌های بزرگ جهان:

کشتیهای نوح در طوفان^۱*

ترجمه شیفته سلطانی^۲

کتابخانه‌های بزرگ، علیرغم آنچه بنظر می‌آید، بهیچوجه انبارهای خاک‌آلود جهان نیستند، بلکه آنها را باید هدایت‌کنندگان و قایق‌های نجات عصر جدید اطلاعات دانست. آیا این مفهوم بر آنها روشن است؟ و آیا می‌توانند از عهده این رسالت برآیند؟

جدیدترین و احتمالاً بزرگترین طرح فرانسوا میتران تأسیس کتابخانه ملی جدیدی است که قرار است در سال ۱۹۹۵ میلادی گشایش یابد. این کتابخانه، در پاریس در محوطه‌ای کنار رود سن ساخته خواهد شد! طراحی کتابخانه به مسابقه بین‌المللی گذاشته شد و حدود ۴۴۴ شرکت‌کننده در طرح‌هایشان در مورد جلوه بیرونی و محتوای درونی آن بدانگونه که باید باشد اظهار نظر کردند.

1. The World's Great Libraries: Arks From the Deluge, *Economist* (December 23, 1989) pp, 55 - 63.

* خلاصه این مقاله در نشریه گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی (سال ششم، شماره ۱۱ - ۱۲) شماره مسلسل ۹۷-۹۸، اسفند ۱۳۶۸، از انتشارات مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه به چاپ رسیده است.

۲. معاون مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

دومینیک پرو^۳، برنده مسابقه، این کتابخانه را مکانی سحرآمیز می‌داند که برجهای شیشه‌ای آن، به شکل چهار کتاب بازگویی، با تالاولو نور بازی می‌کنند و در میان آن باغی بزرگ برای تفکر و تأمل قرار دارد. به عقیده نیکلاس گریمشاو^۴، کتابخانه ملی باید هم «تفریحگاهی در کنار رودخانه» باشد و هم «کتابخانه»؛ سهمی از این تفریح مربوط می‌شود به «منظره هیجان‌انگیز» رباتهایی که کتابهای درخواستی مراجعان را تحویل می‌دهند. این منظره به خصوص برای مطالعه کنندگان در کتابخانه بریتانیا که هنوز از تالار گرد مطالعه استفاده می‌کنند بسیار «مهیج» خواهد بود. هرمان هرترزبرگر^۵ هلندی معتقد است که کتابخانه مدرن باید مثل «یک میدان شهری یا یک ایستگاه راه آهن باشد که مسافران در همانجا بلیت مقصد خود را دریافت می‌کنند.» و بخشهای مختلف کتابخانه را به صورت «واحدها» می‌بیند که درست مثل ماشینهای داخل پارکینگ کنار هم قرار گرفته‌اند. فومیهیکو ماکي^۶ ژاپنی فکر می‌کند طرح او، با برجهای عظیم بلورینش همچون فانوس دریایی پاریس خواهد بود که با خود نور و هوا را به زمین عرضه می‌کند. ژان نوول^۷ کتابخانه را درخت دانش و زندگی فرض می‌کند که مراجعان در جستجوی میوه‌های اندیشه و تفکر، شاخه‌های آن را پس می‌زنند.

بعید است کتابداران امروزی این مطالب را بخوانند و «آه» نکشند. برآستی کتابخانه‌های آنها برای ایفای همین مقاصد بوجود آمده‌اند: سرچشمه‌های سرشار دانش و اطلاعات، تفرجگاههایی با نمایشهای رایگان برای کودکان و بازیهای ویدیویی، ایستگاههای راه آهن (هنوز هم مجموعه کامل برنامه‌های قطار به کتابخانه بریتانیا ارسال می‌شود)، مراکزی برای خدمات اجتماعی (بروشور برای مقابله با بیماری ایدز، گوشه‌ای گرم برای عابران سرگردان)، و سرانجام، از همه مهمتر، مکانی سحرآمیز که در آن کودکان لذت خواندن را خواهند چشید و پژوهشگران پرحوصله حقایقی را که تمام عمر بدنبال آن بوده‌اند، کشف می‌کنند.

به رغم کاهش بودجه کتابخانه‌ها در سالهای بین ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به خصوص در بریتانیا و آمریکا، کتابداران برای رسیدن به همین هدفها می‌کوشند و مبارزه می‌کنند. در حین این مبارزه، ساختمان کتابخانه‌های آنها رو به خرابی می‌رود و صفحات کتابها از هم می‌پاشد؛ و بدتر از همه، طوفان غرنده اطلاعات که صدایش هر لحظه اوج می‌گیرد با هجوم تهدید آمیز می‌آید که همه چیز را در هم فروپاشد، می‌آید که کتابداران سخت کوش، فهرستها، برگه‌ها و

3. Dominique Perrault

6. Fumihiko Maki

4. Nicholas Grimshaw

7. Jean Nouvel

5. Herman Hertzberger

کتابهایشان را با خود ببرد، مگر مجرای نجاتی بیابند و آن را مهار کنند. به نظر می‌رسد شوق ساختن مخزنهایی بزرگتر و بهتر برای نگهداری و حفاظت کتاب بشدت رو به افزایش است؛ چراکه هم فرهنگ و یادبودهای ملی به کتابخانه‌ها سپرده شده، هم میراث دانشهای بشری در کتابها ذخیره شده است. با این حال، سال به سال کار اداره کتابخانه‌ها مشکلتر می‌شود.

کتابخانه‌ها دو هدف دارند: نگهداری دانش گذشته؛ و گردآوری اطلاعات روز. این دو هدف رشته‌ای است که سر دراز دارد، در واقع آنقدر دراز که برخی انسانها ولنگار می‌شوند. مسوولان شوروی، چین و کشورهای جهان سوم معمولاً به خاطر سهل‌انگاریهای جنایتکارانه نسبت به کتابخانه‌هایشان گناهکار شمرده می‌شوند. شکافی که در کتابخانه لنین در مسکو، که بزرگترین کتابخانه جهان محسوب می‌شود - گرچه هنوز کسی نمی‌داند چه در آن هست - مخزن کتابخانه را به دو نیم کرد و به ستونهای مایل و قفسه‌های کتاب بشدت آسیب رساند. در لنینگراد چهار کتابخانه شامل کتابخانه آکادمی علوم که یکی از مهمترین گنجینه‌های شوروی بود، اخیراً دستخوش حریق و سیل شد و از بین رفت. لوله‌های آب گرم خانه پوشکین محل اصلی نگهداری نسخه‌های خطی و کتابهای قرن نوزدهم نویسندگان روسی، چهل بار بین سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ ترکید.

این وقایع تکان‌دهنده، کتابخانه‌های محتاط و مراقب غرب را به هراس می‌اندازد. با وجود این، در آنجا هم هزاران کتاب به چنان روزی افتاده که اگر به آنها دست بخورد، پودر می‌شود و به زمین می‌ریزد. در حالیکه پارشنها^۸ ظاهراً هرچه بیشتر دستکاری شوند سالمتر می‌مانند و عمر درازتری می‌کنند و کتابهایی که قبل از سال ۱۸۳۰ روی کاغذ پارچه‌ای چاپ شده‌اند، قابل انعطافتر و محکمترند، کتابهایی که از اواسط قرن نوزدهم روی کاغذهای خمیر چوب چاپ شده‌اند، به دلیل وجود اسیدهای طبیعی، به تدریج در حال پوسیدن هستند. هر سال حدود ۷۷۰۰۰ کتاب از مجموعه سیزده میلیونی کتابخانه کنگره آمریکا به بخش کتابهای آسیب دیده وارد می‌شود. بزودی، حدود ۴۰ درصد از کتابهای مجموعه‌های بزرگ کتابخانه‌های تحقیقاتی آمریکا آنقدر آسیب‌پذیر می‌شوند که دیگر نمی‌شود به آنها دست زد. در کتابخانه ملی فرانسه، بیش از ۶۰۰،۰۰۰ کتاب به مرمت فوری نیاز دارند و در کتابخانه بریتانیا ۱/۶ میلیون کتاب در انتظار رسیدگی فوری هستند.

هر طرحی که برای فایق آلمن بر این مشکل برنامه‌ریزی شود، مسلماً خیالی واهی است. هزینه مرمت ساده هر کتاب با محاسبه زمان و نیروی انسانی ۲۰۰ دلار برآورد شده است. کتابخانه بریتانیا در پی یافتن راهی است که هزینه را به ۵ پوند (= ۸ دلار) کاهش دهد که در

۸. پارشمن Parchment پوست دباغی نشده گوسفند یا بز که در قرن دوم پیش از میلاد و به عنوان کاغذ از آن استفاده می‌شد و به علت دوام زیاد جای پاپیروس را گرفت.

صورت موفقیت، ممکن است در هر سال ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار کتاب را ترمیم کند. کتابخانه کنگره آمریکا در حال آزمایش طرح اسینزدایی کتابها بوسیله دی اتیل روی است تا از این طریق بتواند سالانه حدود یک میلیون کتاب را مرمت کند. طبق برنامه، این طرح از سال ۱۹۹۰ به اجرا درمی‌آید ولی احتمالاً ۲۵ سال طول خواهد کشید تا کتابهای آسیب دیده موجود ترمیم شوند.

کتابخانه کنگره و کتابخانه عمومی نیویورک راه دیگری نیز اندیشیده‌اند. آنها برای ایجاد یک کتابخانه مرکزی عظیم میکروفیلم کتاب و مجله مبارزه‌ای را برای گرفتن ۳۰۰ میلیون دلار از کنگره، بنیادها، و دانشگاهها آغاز کرده‌اند. هیچکس بدرستی نمی‌داند میکروفیلم چقدر عمر می‌کند. با خوش بینی می‌توان امیدوار بود که عمر مفید آن ۲۰۰ سال باشد و تا آن موقع متخصصان حتماً وسیله دیگری برای انتقال مدارک، اختراع کرده‌اند. مثل دیسکهای نوری^۹. ولی آیا واقعاً همه چیز را باید نگهداشت؟ مسئله بعدی همین است. گذشته از تمام وظایفی که امروزه بر دوش کتابداران گذاشته شده است. دانستن علم ملال‌آور کتاب‌سنجی^{۱۰} هم الزامی شده است. کتاب‌سنجی یعنی هنر تخمین نیازهای آینده کتابخانه با توجه به فضا و بودجه. برخلاف شایعات موجود، آثار چاپی به این زودیها نمی‌میرد. در سال ۱۹۸۷ در بریتانیا ۵۱،۰۰۰، در فرانسه ۴۲۴،۰۰۰ و در آلمان غربی ۶۳،۷۲۴ عنوان کتاب جدید انتشار یافت. گرچه تیراژ نشر کتاب در برخی زمینه‌ها مثل شیمی و فیزیک ثابت مانده است ولی انتشار کتاب در زمینه تکنولوژی زیستی یا کامپیوتر مثل قارچ هر روز از زمین می‌روید.

کتاب و مجله به صورت سیل وارد کتابخانه‌های بزرگ می‌شود. لایب‌نیتز^{۱۱} می‌گوید: «این واقعاً وحشتناک است که انبوه کتاب هر روز بیشتر می‌شود.» دیگر جایی برای قراردادن کتابها نمانده است. ضمن این که حتماً لازم است کل مجموعه زیر یک سقف واحد قرار گیرد، نه آنکه مثل انبارها در گوشه و کنار شهر پراکنده باشد. به همین دلیل دو طرح عظیم قرن برای ساختن دو کتابخانه بزرگ، کتابخانه ملی جدید در پاریس و کتابخانه بریتانیا در لندن، شکل گرفت. در مقیاسی کوچکتر، کتابخانه عمومی نیویورک مجبور شده است باغ پشتی کتابخانه را و کتابخانه عمومی واتیکان زیرزمین را تبدیل به مخزن کتاب کنند.

کتابخانه‌های جدید ابعاد کلانی دارد. کتابخانه ملی فرانسه گنجایش ۱۵ میلیون کتاب و ۲۴ کیلومتر قفسه مجله را در چهار برج به ارتفاع ۳۰۰ پا (= ۱۰۰ متر) دارا خواهد بود. اما

9. Optical Discs

10. Bibliometrics

۱۱. گوتفرید ویلهلم لایب‌نیتز Gottfried Wilhelm Leibniz (۱۶۴۶ - ۱۷۱۶) فیلسوف و ریاضیدان آلمانی.

میزان افزایش سالانه کتاب، حدود ۱۰۰،۰۰۰ جلد است و هم اکنون نیز بین ۱۰ تا ۱۱ میلیون جلد کتاب در کتابخانه ملی فرانسه فعلی موجود است. بنابراین گنجایش کتابخانه بزودی تمام می‌شود و از بخت بد پژوهشگران، ناچار باید مخزنهای جدیدی در حومه شهر بنا کرد.

در ساختمان جدید کتابخانه بریتانیا وضع از این هم بدتر است. در محله سنت پانکراس^{۱۲} جزر قطوری با آجرهای قرمز رنگ در حال بالا آمدن است. در آنجا فضایی برای استقرار ۲۵۰ کیلومتر قفسه پیش‌بینی شده است و مخزن زیرزمینی آن بقدری وسیع است که کتاب‌رسانها^{۱۳} باید سوار بر ماشینهای کوچکی که در زمین بازی گلف به کار می‌رود، از این طرف به آن طرف بروند. ولی با ۱۸ میلیون جلد کتابی که اکنون در مخزن قدیمی کتابخانه وجود دارد و با احتساب ۱۳۰ میلیون مدارک گوناگون، چون مجله، طرح، نسخه خطی، جزوه و نقشه و همچنین با افزایش سالانه ۱۰۰،۰۰۰ کتاب، که خودش به ۱۳ کیلومتر قفسه احتیاج دارد، پیش‌بینی می‌شود که ده سال پس از گشایش ساختمان جدید در سال ۱۹۹۳، دوباره کتابخانه اشباع شود.

در هر دو کشور آمریکا و بریتانیا، مقصر اصلی قانون و اسپاری^{۱۴} است. قانون واپساری یک نسخه از هر عنوان کتاب توسط ناشران به یک کتابخانه مرکزی که برای اولین بار در سال ۱۵۳۷ در فرانسه مطرح شد، فکر بسیار خوبی بود. این قانون، در سال ۱۶۶۲ در بریتانیا هم به تصویب رسید که البته تا قرن بیستم به طور کامل به اجرا در نیامد. حالا قانون واپساری مثل «بلا» بر سر کتابخانه‌های ملی نازل شده است. آمریکا و فرانسه هر کدام یک کتابخانه ملی دارند؛ در بریتانیا قانون واپساری ۶ کتابخانه را در برمی‌گیرد: کتابخانه بریتانیا، کتابخانه ملی اسکاتلند، کتابخانه ملی ویلز، کتابخانه دانشگاه آکسفورد، کتابخانه دانشگاه کمبریج و کالج ترینیتی در دوبلین^{۱۵}.

کتابخانه ملی فرانسه هر سال، فقط از طریق قانون واپساری، ۳۰،۰۰۰ کتاب دریافت می‌کند. سال گذشته، به کتابخانه بریتانیا، ۶۲۸،۰۰۰ کتاب رسید؛ یعنی ۵۰٪ افزایش نسبت به ده سال گذشته. هر چیزی به کتابخانه سرازیر می‌شود: از داستانهای مبتذل گرفته تا مجله پلی‌بوی، تا اعلامیه‌های مربوط به گردهماییهای سیاسی. همه چیز باید جلد شود، فهرست شود و جایی برایش در نظر گرفته شود. حتی گذاشتن یک کتاب در قفسه خرج برمی‌دارد. در کتابخانه بریتانیا، برای فهرستنویسی و آماده سازی هر کتاب ۵۰ پوند صرف می‌شود و یک پوند هم هزینه سالانه نگهداری آن در قفسه است. حالا مساله جا و پول اینقدر

12. St. Pancras

14. Law of Deposit

13. Book - fetchers

15. Trinity College, Dublin

اهمیت دارد که دیگر نمی‌شود همه چیز را پذیرفت، باید انتخاب کرد. گفتش خیلی آسان است ولی کتابخانه‌ها طبیعتاً دوست دارند مجموعه جامعی داشته باشند. علاوه بر این، معلوم نیست در آینده چه چیزهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدترین داستان امروز ممکن است از نظر محققان سده‌های آینده ارزش زیادی داشته باشد. چند قرن پیش، در کتابخانه بادلیان^{۱۶} اولین نوشته‌های شکسپیر را وجین کردند و حالا از آنچه گلچین شده بسیار متأسفند. اکنون کتابخانه بادلیان درحالی‌که ۱۳۵ کیلومتر قفسه پراز کتاب دارد، دیگر نشریات کمیک، مجله‌های موتورسواری، الگوهای بافتنی و هفته‌نامه‌های غیر اخلاقی^{۱۷} را قبول نمی‌کند؛ ولی جرأت ندارد پا را از این فراتر بگذارد.

کتابخانه بریتانیا ناچار شد قدری شجاعانه‌تر با این مسأله برخورد کند. تابستان گذشته به کتابخانه‌های واسپاری اعلام کرد: همه انتشارات الزاماً ارزش نگهداری ندارند. حتی وقتی بطلمیوس اول^{۱۸} از همه فرمانروایان عالم تقاضا کرد که تمام آثار دانشمندانشان را برای نگهداری در کتابخانه بزرگ اسکندریه ارسال کنند، مطمئناً دلش نمی‌خواست محققان برایش مجله موتورسواری بفرستند. او فقط در پی آثار گزیده و ارزشمند آنها بود.

کتابخانه بریتانیا اکنون به همین نتیجه رسیده و امیدوار است بتواند این روش را پیش گیرد، هر چند که مانند همتایش در پاریس، درست نمی‌داند از کجا باید شروع کند. بدین ترتیب تمام قصه‌های میلزوبون^{۱۹}، جز تعدادی برای استفاده محققان، خارج خواهد شد. جزوه‌های میرا (هرچند این معیاری شیطنت‌آمیز است)، گزارش‌های داخلی میهمی که با کامپیوتر آماده می‌شوند، نسخ کتابهای تجدید چاپی، نسخه‌های اضافی و نسخه‌های اهدایی از کتابهایی که در مجموعه موجود است، همگی وجین خواهند شد. کتابهایی که فقط مورد علاقه مردم ناحیه‌ای خاص است احتمالاً به کتابخانه ملی اسکاتلند و ویلز ارسال خواهد شد؛ مجموعه برنامه‌های قطار دور ریخته خواهد شد.

با این تلاش کوچک، کتابخانه بریتانیا تقریباً دارد مشکلاتش را حل می‌کند. لایحه قانون واسپاری منابع الکترونیکی، منابعی چون: دیسکهای نوری، دیسکهای لیزری^{۲۰}، دیسکهای فشرده^{۲۱} و انواع قوطیهای الکترونیکی^{۲۲} عصر جدید برای تصویب به مجلس ارائه شده

16. Bodlian Library

17. Pornography

۱۸. بطلمیوس اول Ptolemy I، سرسلسله بطالسه در مصر (۳۲۳ - ۲۸۵ پیش از میلاد) و بنیانگذار کتابخانه مشهور اسکندریه بین سالهای ۳۰۰ تا ۲۹۰ پیش از میلاد.

۱۹. میلزوبون Mills And Boon، ناشر انگلیسی.

20. Lazer Discs

21. Compact Discs

22. Gadgets

است. کتابخانه ملی فرانسه هم می‌خواهد مجموعه‌ای از منابع الکترونیکی فراهم آورد. ولی در پی آن نیست که لایحه‌ای به مجلس بدهد تا به صورت قانون واسپاری به تصویب برسد. راستی چرا کتابخانه‌های بزرگ این چیزها را می‌خواهند؟ کتابخانه بریتانیا دلیل می‌آورد که بخش تحقیقات توپخانه ارتش نقشه‌هایش را با کامپیوتر روز آمد می‌کند و فرهنگ انگلیسی آکسفورد قرار است فقط روی دیسک‌های کامپیوتر ویرایش شود. دانشمندان و محققان هم بتدریج مستقیماً از طریق صفحه‌های تلویزیونی باهم ارتباط برقرار خواهند کرد و دیگر ماهها منتظر نمی‌مانند تا مقالاتشان به طریق سنتی چاپ شوند. در زمینه‌هایی چون تکنولوژی زیستی که همواره دستخوش تغییر است، احتمالاً دیگر نیازی به نشر کتاب یا مقاله نیست. آنها که واقعاً می‌خواهند بدانند در دایره کوچکی قرار می‌گیرند؛ آنها نخبگان جامعه اطلاعات هستند که روبروی تلویزیون‌هایشان می‌نشینند و از همین طریق دستاوردهای خود را با هم رد و بدل می‌کنند. حالا اگر «مردم عادی» بخواهند بدانند میان آنها چه می‌گذرد، دیگر به عهده کتابخانه‌هاست که از آنها تقاضا کنند تا نتایج کارشان را به معرض نمایش و بررسی بگذارند. خلاصه اینکه، اگر کتابخانه‌ها می‌خواهند منابع اطلاعاتی کاملی داشته باشند، بهتر است با عجله فرآورده‌های کامپیوتری جهان را جمع‌آوری کنند.

هنوز اکثر کتابخانه‌ها نمی‌دانند برای کنترل سیل آثار الکترونیکی از کجا باید شروع کنند. برای مدتی، بسیاری از کتابخانه‌ها سرگرم جمع‌آوری مواد غیر کتابی شدند؛ مثل پوستر، نوار، صفحه، سکه و کتابهای گویا برای ناشنوایان. کتابخانه عمومی نیویورک در سال ۱۹۸۸ بیش از ۴۰۰،۰۰۰ ویدیو کاست در گردش داشت و می‌خواهد هزاران عدد هم به آن اضافه کند. هدف این است: «آموزش، روشنگری و سرگرم کردن مردم در هر سن و سال». انجمن شهر برنامه‌ای، با عنوان *ماورای کتاب* ترتیب داده است که سال گذشته در تمام شعبه‌های کتابخانه عمومی نیویورک به نمایش گذاشته شد. حالا دیگر اهدا کنندگان، کم کم به جای کتاب، نوار ویدیو، نرم افزار و کامپیوتر به کتابخانه‌ها هدیه می‌دهند. در کتابخانه‌های عمومی بریتانیا در سالهای بین ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ مجموعه بازیه‌های کامپیوتری ۷۸٪ افزایش یافت، درحالی‌که میزان خرید کتاب ۹٪ کاهش پیدا کرد.

میزان تقاضای خوانندگان برای خواندن و تماشا کردن مطالب روی صفحه تلویزیون مرتباً رو به افزایش است، ولی هنوز کتابداران با «مد» جدید خو نگرفته‌اند. دنیای آنها همچنان در کتابها خلاصه می‌شود. در کتابخانه عمومی نیویورک کتابداران اظهار می‌دارند - و درست هم می‌گویند - که همه این وسایل ویدیویی فقط برای جلب کودکان و نوجوانان به کتابخانه است، پلی است به کتاب، و بدین ترتیب هدفی بالاتر از وقت‌گذرانی و تفریح دارند. قبول این فکر که آثار جدی و سنگین با تیراژ زیاد روی دیسک‌های نوری در دسترس قرار

گیرد و مردم بتوانند با دقت آنها را در خانه یا کتابخانه از طریق صفحه‌های تلویزیونی بخوانند و دیگر کسی نیاز نداشته باشد به کتابخانه برود، بسیار مشکل است. کتابداران به این دلیل اجازه دادند کامپیوتر به کتابخانه‌هایشان راه یابد که کار گِل کنترل قفسه‌ها را برایشان انجام دهد؛ نه اینکه کامپیوتر خود جان و جوهر کتابخانه شود. با اینهمه چنین عصری در آستانه ورود است.

کامپیوتر بتدریج به کتابخانه‌ها راه پیدا کرد و تأثیر مثبتی بر کار فهرست نویسی و بازیابی اطلاعات گذاشت. سازماندهی دانش و وظیفه اصلی هر کتابخانه است. تصادفی نیست که کتابخانه‌های بزرگ همزمان با ظهور دایرةالمعارف نویسان، و طبیعی‌دانان چونی ولتر و لینه^{۲۳} اعتبار یافتند. پیش از این، در قرن هیجدهم، بشر احساس کرد که گسترش منظم دانش به خاطر وفور نامنظم کتابها عقیم مانده است. دانشمندان در آرزوی يك فهرست موضوعی جهانی از تمامی دانشهای بشری که به آسانی در دسترس همگان باشد، بسر می‌بردند که با کمک آن مشکلات آموزش را از میان بردارند. زیرا حتی آن موقع هم جامعه به دو دسته تقسیم می‌شد: آنها که می‌دانستند و آنها که نمی‌دانستند. وقتی پانیتسی^{۲۴}، کتابدار موزه بریتانیا، فهرست عام خود را که به جای رده‌بندی، مبتنی بر مؤلف و عنوان بود، برای نخستین بار تدوین کرد مورد انتقاد شدید تندروها و جهانگراها قرار گرفت.

ملویل دیوئی نظام رده‌بندی دهدهی خود را، که در واقع اصلاح آگاهانه‌ای از طرح پانیتسی بود، به کتابخانه کنگره معرفی کرد. این نظام بر پایه این فکر استوار بود که درخت بزرگ دانش بی‌نهایت شاخه موضوعی دارد. آرزوی داشتن فهرستی جهانی که همچون خود دانش تا بینهایت قابل گسترش باشد، هنوز بطور پنهانی در اکثر کتابخانه‌ها به چشم می‌خورد. تدوین فهرست عمومی کتابخانه بریتانیا که در سال ۱۹۰۵ منتشر شد، ۱۵۰ سال طول کشید. برای روز آمد کردن پر دردسر آن به چسب و قیچی نیاز است. اکنون مرور ۲،۲۲۳ جلد آن ۵ سال وقت می‌گیرد. این فهرست عمومی يك بعدی است. تقلیدی است از قرار گرفتن کتابها در قفسه؛ بدین معنی که هر کتاب را فقط یکبار بین دو کتاب دیگر قرار می‌دهد.

برعکس، يك فهرست کامپیوتری می‌تواند چند بعدی باشد. یعنی می‌تواند هر کتاب را از

۲۳. کارل فون لینه Karl Von Linné (۱۷۰۷ - ۱۷۷۸)، سوئدی، پدر علم گیاهشناسی جدید و طراح رده‌بندی گیاهان.

۲۴. آنتونی پانیتسی (۱۷۹۸ - ۱۸۷۹)، ایتالیایی‌الاصل تبعه انگلستان، کتابدار موزه بریتانیا و رئیس مخزن کتابهای چایی موزه بریتانیا در سالهای ۱۸۵۶ - ۱۸۶۶ و طراح تالار معروف گرد مطالعه آن کتابخانه.

جنبه‌های گوناگون ارتباطی یا رده‌ای کنار گروهی از کتابها قرار دهد. فهرست کامپیوتری می‌تواند در هر کجای جنگل دانش جست و خیز کند درست همانگونه که مغز بشر قادر است؛ با این فرق که در کامپیوتر این قدرت، ضریبی بی‌نهایت دارد. فهرست کامپیوتری را می‌توان مرتباً و به سادگی روز آمد کرد و به اطلاعاتش افزود و در عرض چند ثانیه اطلاعات لازم را از آن دریافت کرد.

یکی از عالیترین کارهای الکترونیکی انجام شده در کتابخانه‌های بریتانیا، ایجاد پایگاه اطلاعاتی عناوین کوتاه کتابهای قرن هیجدهم^{۲۵} در هارلو^{۲۶} است. پژوهشگران می‌توانند با استفاده از این بانک اطلاعاتی به مشخصات و محل نگهداری ۱۹۰،۰۰۰ کتاب، جزوه، آگهی و تبلیغات برای معالجه آبله دست یابند. علاوه بر این آنان می‌توانند چندین موضوع را با هم ترکیب کنند و سپس تمام مراجع مربوطه را بازیابی نمایند. این پایگاه را تنها کتابخانه‌های انگلیس تغذیه نمی‌کنند، بلکه از طریق يك خط رابط از استانفورد کالیفرنیا، تمام مطالب مورد توجه موجود در کتابخانه‌های شمال آمریکا نیز بدان وارد می‌شود.

در هنگ کنگ، پایگاهی به مراتب جاه‌طلبانه‌تر در شرف تکوین است. دانشگاه چین از سال ۱۹۸۳ اطلاعات مربوط به ۶۰۰۰ داروی گیاهی چینی را به کامپیوتر داده است. اکنون این اطلاعات به زبان انگلیسی ترجمه شده و به کمک کامپیوتر آی. بی. ام. به پایگاههای اطلاعات پزشکی غرب متصل شده است. با استفاده از این دو فهرست، آدمی درمی‌یابد که با فشار دادن فقط يك دکمه، وارد شبکه جهانی دانش شده است.

فهرستهای دیگر هم به آرامی وارد کامپیوتر می‌شوند. از مدتی پیش، در کتابخانه بریتانیا انتقال اطلاعات مربوط به کتابهای منتشر شده از سال ۱۹۵۰ به بعد و همچنین فهرست جاری خدمات اطلاعاتی مراجع علوم که پایگاهش در یورکشایر است، بر روی دیسک آغاز شده است. این فهرست که ۲۰۰۰۰۰ مدخل دارد، در نوع خود غنی‌ترین فهرست جهان است. احتمالاً بتدریج تمام فهرست عمومی روی دیسک منتقل خواهد شد و استفاده کنندگان قادر خواهند بود به فهرستهای کامپیوتری کتابخانه‌های بزرگ دنیا در خارج از کشور دسترسی پیدا کنند. کتابخانه ملی جدید فرانسه از طریق ایجاد يك فهرست الکترونیکی متمرکز به تمام کتابخانه‌های دانشگاهی فرانسه متصل خواهد شد و به صورت کانون شبکه تحقیقاتی کشور فعالیت خواهد کرد. مدتی بعد هم وارد شبکه کتابخانه‌های سراسر اروپا خواهد شد. در سال ۱۹۷۲ فهرست برگه‌ای کتابخانه عمومی نیویورک متوقف شد و فهرست

25. Eighteenth Century Short Title Catalogue (ESTC)

26. Hartlow

کامپیوتری جای آن را گرفت. تمام شبکه‌های بزرگ کتابشناختی امیدوارند، دیر یا زود، سیستم‌های خود را پیوسته کنند و هر کس در حالیکه پشت کامپیوترش نشست، به تمام اطلاعات مورد نیاز دسترسی پیدا کند.

با وجود این هنوز تردید و خشم در میان بعضی از کتابداران وجود دارد. سالهای متمادی کتابدار پژوهشگر به منزله «پدرروحانی» محققان محسوب می‌شد، چنانکه هنوز هم در برخی کشورها همینگونه است. مثلاً در چین یا هند، کتابدار، کلیددار خطه خویش است و در کتابخانه ملی مصر، کتابدار مثل سبزی فروش در دکان سبزی فروشی - با اکراه کتابی را به مراجعه کننده تحویل می‌دهد. زمانی، کامپیوترها گوشه اتاق مرجع قرار داشتند و فقط کتابدار برای جستجوی اطلاعات از آنها استفاده می‌کرد. حالا، در کتابخانه عمومی نیویورک هشت ایستگاه کامپیوتری هر کدام با چاپگر مستقل وجود دارد که مراجعه کننده در مقابلش می‌نشیند. فهرستبرگه‌های چاپی و چکیده‌ها دیگر هیچ کششی در او ایجاد نمی‌کند. در واقع، هرچه بیشتر از صفحه تلویزیونی استفاده می‌شود و هرچه بیشتر منابع و مواد تازه مستقیماً به فهرست کامپیوتری اضافه شود، اعتنا و اعتماد به فهرستهای چاپی کاهش می‌یابد.

وقتی کامپیوترها به دیسک‌هایی مجهز می‌شوند که می‌توانند ۱۰۰۰۰ صفحه را یکباره در خود جای دهند، دیگر چیزی نمانده که خود کتاب نیز روی صفحه آن ظاهر شود. کتابخانه کنگره به همین زودی مشغول آزمایش طرح اولیه ذخیره‌سازی گروهی کتاب و مجله در کامپیوتر است. وقتی استفاده کننده کلید «نمایش متن» را فشار می‌دهد، می‌تواند کتاب را از هر قسمت که مایل است مرور کند و از قسمتهای مورد نیاز کپی بگیرد. دیگر لازم نیست منتظر دریافت کتاب بماند یا برای تهیه کپی در صف پول خرد بایستد و دیگر لازم نیست کتابی را بردارد که ممکن است در آستانه پودر شدن باشد.

نتایج موفق آزمایشها، کتابخانه کنگره را تشویق کرد تا هر کجا مناسب باشد تکنولوژی جدید را به کار گیرد. کتابخانه بریتانیا نیز پس از گشایش ساختمان جدید در سنت پانکراس، همین رؤیا را در سر دارد. شاید طولی نکشد که «روح و جوهر» این کتابخانه‌های بزرگ، مثل سایر سازمانهای بزرگ کنونی، نشانگر سبز رنگی شود که روی صفحه تلویزیونی به رقص درآمده است. و همه اینها به خاطر يك چیز: کمبود پول.

گردآوری و رده‌بندی دانشهای بشری، همیشه گران تمام شده است، آنقدر گران که کتابخانه‌ها بدون حمایت مالی شاهان، اشراف و اعیان نمی‌توانستند از عهده اداره آن برآیند. شاید آنروزها روزهای بهتری بود. چرا که پول از سوی کسانی می‌رسید که میان کارهایشان به مساله کتاب اهمیت و اولویت می‌دادند. حالا تأمین مالی کتابخانه‌های بزرگ بجز موارد استثنا، به عهده دولتهاست که باید با هزار ترفند از پول حمل و نقل، تسلیحات و وجه‌الضمان

صرفه جویی کنند؛ تازه زبان کتابداران را هم نمی‌فهمند.

علاوه بر این، مخارج کتابخانه‌های مدرن به سرعت رو به افزایش است. کتابخانه جدید بریتانیا که قرار است در سال ۱۹۹۶ تکمیل شود و در سال ۱۹۹۳ بخشی از آن گشایش خواهد یافت، به همین زودی ۱۰ میلیون دلار از بودجه اصلاحی‌اش (به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار) بیشتر خرج کرده است و تازه این مقدار فقط برای ساختمان و تجهیزاتش پیش بینی شده است. اعتبار جاری این کتابخانه ۵۳ میلیون پوند (= ۸۴ میلیون دلار) است و هم اکنون برای تأمین هزینه نصب کامپیوترها و انتقال کتابها از بلومزبری^{۲۷}، تقاضای افزایش سالانه ۳۰ میلیون پوند (= ۴۷ میلیون دلار) کرده است. هزینه ساختمان کتابخانه ملی جدید فرانسه بین ۵ تا ۷ میلیارد فرانک (= ۰/۸ تا ۱/۱ میلیارد دلار) است. هزینه طرح کتابخانه جدید اسکندریه که با همکاری دولت مصر و یونسکو ساخته می‌شود، ۱۶۰ میلیون دلار است.

اینها طرحهایی بسیار بزرگ هستند ولی حتی هزینه جاری سالانه آنها واقعاً سهمگین است. بودجه سالانه کتابخانه کنگره آمریکا با ۵۰۰۰ کارمند، ۲۵۰ میلیون دلار است. بودجه کتابخانه عمومی نیویورک برای سال ۱۹۹۰، ۶۸ میلیون دلار پیش‌بینی شده است. امسال بودجه این کتابخانه کمتر از آنچه انتظار می‌رفت، کاهش یافت. با وجود این، کاهش ۷۸۴،۰۰۰ دلار از بودجه یعنی فقدان ۱۹۳۰۰ جلد کتاب. هزینه اداره کتابخانه بادلیان با پنج کتابخانه فرعی‌اش ۵/۴ میلیون پوند (= ۸/۶ میلیون دلار) در سال است.

حتی یک روز آمدسازی متعادل نیز مستلزم هزینه هنگفتی است. کامپیوتری کردن کتابخانه با دلیل (که دیگر حساسیتی نسبت به داستانهای رمانتیک دوران تأسیس ندارد، و با مهاجرت به «اتاق فهرست» کتابخانه را حفظ کرده است) هزینه کتابخانه را به مبلغ یک میلیون پوند (= ۱/۶ میلیون دلار) افزایش خواهد داد. مرمت کتابها و تعمیرات ساختمان به مقدار بیشتری نیروی انسانی نیاز دارد و توسعه مجموعه، مستلزم یک بودجه ۹ میلیون پوندی (= ۱۴/۲ میلیون دلار) است. برنامه مرمت و بازسازی کتابخانه عمومی نیویورک در گرو کنار گذاشتن قالبهای قدیمی و نصب کامپیوتر است و بین خود ۴۴ میلیون دلار بودجه اضافی می‌خواهد.

کتابداران هم مانند سایر موجودات جهان شهرت خاص خویش را دارند؛ آنها بخاطر کتابهایشان زندگی می‌کنند. امور مالی کتابخانه‌ها مدتهاست طبیعت بهم‌ریخته‌ای دارد: هدیه‌های دوستداران و دانشمندان، ارثیه‌ها، موقوفه‌ها، مبلغی از دولت، و قلری گدایی

۲۷. بلومزبری Bloomsbury، محله‌ای در لندن که کتابخانه فعلی بریتانیا در آن واقع است.

همانطور که توماس بادلی^{۲۸} می‌گوید لازم است کمی حس نیکوکاری مردم را تحریک کنیم). دریافت هدیه وارثیه همچنان ادامه دارد ولی در اواسط سالهای ۱۹۷۰ دریافتیها از دولت افت شدیدی پیدا کرد و در سالهای ۱۹۸۰ سطح توقعات مردم از يك کتابخانه مدرن به شدت افزایش یافت. بطور خلاصه، کتابداران امروزی قبل از هر چیز باید به دنبال افزایش سرمایه باشند. آقای دیوید ویزی^{۲۹} رئیس کتابخانه بادلیان می‌گوید در عرض سه سالی که ریاست کتابخانه را به عهده داشته، فرصت خواندن حتی يك کتاب را پیدا نکرده است زیرا تمام اوقاتش صرف یافتن منابع مالی شده است.

کتابخانه‌ها در راه تأمین بودجه، دست به کارهای شگفتی زده‌اند. کتابخانه عمومی نیویورک برای تحصیل ۳۰۷ میلیون دلار مورد نیاز، مبارزه ۵۰ ساله‌ای را تحت حمایت وارثان گرگوریان^{۳۰}، رئیس وقت کتابخانه، به همراهی بروک آستور^{۳۱} آغاز کرد. آنها موفق شدند مردم نیویورک را متقاعد سازند که هوشمندانه‌ترین کار، حمایت از کتابخانه است. دانشمندان و متخصصین به خیابان چهل و دوم سرازیر شدند و از آنها دعوت شد که درازای پرداخت هزاران دلار با آنها سر يك میز بنشینند. زبردستی کتابخانه به خصوص در سر کیسه کردن تجار بود. نام افراد شاخصی از شرکت برادران سالومون^{۳۲} و شرکت تولیدی هانوور^{۳۳}، در لیست اهدا کنندگان به چشم می‌خورد.

آنچه در بریتانیا انجام گرفت بهیچوجه این چنین جسورانه و موفقیت‌آمیز نبوده است، با وجود این باید از یکی دو تلاش نسبتاً متهورانه نام برد. کتابخانه بادلیان اهدا کنندگان بالقوه کتابخانه را به يك شام رایگان دعوت کرد و آنها را کنار رجال برگزیده دانشگاه نشاند. کتابخانه بریتانیا برای کتابهایی که احتیاج به صحافی داشتند برنامه‌ای ترتیب داد تحت عنوان: «يك کتاب را به فرزندی قبول کنید.» شیفتگان کتاب با پرداخت ۲۰۰ پوند (= ۳۱۶ دلار) هزینه مرمت یا صحافی يك کتاب را قبول می‌کردند و در ازای آن نامشان داخل جلد کتاب حک می‌شد. در میان حمایت کنندگان، نام بارکلیز^{۳۴}، نیسان^{۳۵} و شرکت نفت بریتانیا^{۳۶}

۲۸. توماس بادلی Thomas Bodley (۱۵۴۶-۱۶۱۳) سیاستمدار انگلیسی و بنیادگذار کتابخانه بادلیان در آکسفورد.

29. David Vaisey

30. Vartan Gregorian

31. Brooke Astore

32. Salomon Brothers

33. Manufacturers Hanover

۳۴. بارکلیز Barclays، بانک معروف انگلیس.

۳۵. نیسان Nissan، تولیدکننده خودرو.

36. British Petroleum

دیده می‌شود.

برنامه‌هایی از این قبیل خوب است ولی انرژی و نبوغ فراوان می‌خواهد، به نظر می‌رسد روز به روز کار اداره کتابخانه بیشتر شبیه به اداره تجارتخانه می‌شود. برخی از کتابخانه‌ها بخش انتشارات خود را توسعه می‌دهند. واحد انتشارات بادلی بین سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۷، بیش از ۵۰۰۰۰۰ پوند سود برد. کتابخانه عمومی نیویورک دارای یک فروشگاه است که در آن کتابهای موزه‌های جهان، فنجانهای یادگاری و کتابچه‌های مزین شیر سمبل کتابخانه به فروش می‌رسد و همیشه پر از مشتری است. همه آنچه گفته شد، مسایل حاشیه‌ای است. حتی کتابداران هم می‌دانند که بزرگترین منبع بالقوه درآمد، مراجعاند. آنها در کتابخانه می‌گردند، کتاب رزرو می‌کنند، از کامپیوترها استفاده می‌کنند و یا فقط می‌نشینند و به مکانی خیره می‌شوند. اکنون بر سر دو راهی دشواری قرار گرفته‌ایم. کتابخانه‌های ملی بزرگ جهان، همانند کتابخانه‌های عمومی امانی قرن گذشته، به این دلیل بوجود آمدند که خدمات رایگان در اختیار مراجعان قرار دهند. «جمهور اهل ادب»^{۳۷} که کتابخانه کم و بیش همانند معابد آن به حساب می‌آید، جامعه‌ای است که شهروندان آنرا همه آدمیان صرفنظر از مقدار پولی که در جیب دارند، تشکیل می‌دهند. این اندیشه مربوط به زمانی است که کتابداران هنوز به عنوان «کتابیان» این معابد انجام وظیفه می‌کردند و خدمات مهمی، جز تحویل کتاب به خوانندگان ارائه نمی‌دادند. از سالهای ۱۹۶۰ به بعد، کتابخانه‌ها توجه بیشتری به مراجعان خود نشان دادند. حالا آنها را «مشتریان» خود می‌دانند و پیوسته می‌کوشند کارهای تازه‌تری برایشان انجام دهند، تا آنجا که حتی صفحه‌های موسیقی روز و بازیهای ویدیویی در اختیارشان می‌گذارند. در تمام مشاغل دیگر، مشتریان سرانجام هزینه، خدماتی را که به آنها ارائه می‌شود پرداخت می‌کنند. آیا در کتابخانه‌ها باید غیر از این باشد؟

کتابداران مصرانه می‌گویند: «بله». اصل دسترسی رایگان به منابع مقدس است. هر چند که در عمل، فرسایشهایی هر چند اندک در آستانه وقوع است. آخرین پیشنهاد دولت بریتانیا به کتابخانه‌های عمومی امانی این است که می‌توانند از کسانی که صفحه، نوار یا سایر مواد غیر چاپی را امانت می‌گیرند، پول دریافت کنند؛ همچنین می‌توانند بابت رزرو کتاب، استفاده از کامپیوتر برای پاسخگویی و کمک به خوانندگانی که سئوالهای پیچیده یا محرمانه دارند، از مشتریان حق‌الزحمه بگیرند.

کتابخانه عمومی نیویورک در فکر این است که از خوانندگان بابت جستجوی اطلاعات با سیستمهای پیوسته کامپیوتری وجهی مطالبه کند. کتابخانه کنگره مترصد است که در مقابل

تهیه چکیده‌های حقوقی و فنی از بازرگانان، مهندسان و وکلا پول بگیرد. کتابخانه بریتانیا مصمم است پس از انتقال به ساختمان جدید، در آمدش را از طریق ارائه خدمات اطلاعاتی در عرض ۵ سال چهل درصد افزایش دهد. درآمد ناخالص «مرکز تأمین مدارک»^{۳۸} در بوستون اسپا^{۳۹} که کار اصلی اش ارائه خدمات مشاوره در زمینه فنی و تجاری است - سالانه ده میلیون پوند (= ۱۵/۸ میلیون دلار) است. انتقال به ساختمان جدید در سنت پانکراس احتمالاً مسئله دریافت ورود به تالار مطالعه را مطرح خواهد ساخت. این تالار حدوداً پذیرای ۳۵۰۰۰۰ تن در سال خواهد بود. از چنین پولهایی به آسانی نمی‌شود صرف نظر کرد. هنگامی که کتابخانه افتتاح می‌شود، دسترسی به کتابها رایگان خواهد بود ولی در سال ۱۹۹۴ همه چیز مجدداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تا معلوم شود که آیا سود حاصله آنقدر هست که «ضمانت نقض سنتها» را بکند یا خیر؟

این اندیشه‌ها، برخی از کتابداران را به هراس می‌اندازد. آنها صندوقهای پول را روی میز امانت و مأموران امنیتی را مقابل در کتابخانه مجسم می‌کنند و مهمتر آنکه معتقدند این امر مراجعان را دلسرد خواهد کرد. در حقیقت، دریافت پول در مقابل ارائه خدمات فرعی، سالانه ۲۲ میلیون پوند (= ۳۴/۷ میلیون دلار) برای کتابخانه‌های عمومی بریتانیا فراهم کرده است. دولت معتقد است که اگر این خدمات عاقلانه گسترش یابد، این مبلغ به دو برابر افزایش خواهد یافت. حتی دریافت هزینه مختصری بابت ورود به تالار مطالعه یا امانت کتاب بنظر زیاده‌روی نمی‌آید.

اخبار مخرب‌تر دیگری هم وجود دارد. در سال ۱۹۸۶ مؤسسه آدام اسمیت^{۴۰}، این مغز متفکر رایگان، اعلام کرد که کتابخانه‌های امانی باید سالانه ۴ پوند (= ۶ دلار) شهریه و برای هر کتاب امانت داده شده ۳۰ پنس (= ۴۵ سنت) از مراجعان دریافت کنند، زیرا که آنها دیگر به اشاعه اطلاعات نمی‌پردازند، بلکه با ارائه داستانهایی از قبیل کاترین کوکسون^{۴۱} و جفری آرکر^{۴۲} و نوارهای ویدیویی، بیشتر به سرگرم کردن مراجعان مشغولند. روشن است که مردم نباید انتظار تفریح رایگان داشته باشند. دولت بریتانیا در سال ۱۹۸۸، پیشنهادی تحت عنوان «حق اشتراک سرویس کتاب» برای کسانی که رمان یا سرگذشتهای امانت می‌گرفتند، صادر کرد. ولی این پیشنهاد به اتهام توسل به «نخبه‌گرایی» محکوم شد. در زلاندنو، سیستم نسبتاً موفقی در کتابخانه‌ها به کار گرفته شده است: استفاده از «کتابهای

38. Document Supply Center

39. Boston Spa

40. Adam Smith Institute

41. Catherine Cookson

42. Jeffrey Archer

ارزشمند و جدی» رایگان است (تعیین کیفیت محتوای کتاب به عهده يك مجمع ملی است) و امانت «کتابهای سبك و تجارتي» پولی است. البته بر سر برخی کتابها مشکلاتی بوجود می‌آید، ولی عجیب است که فقط برای ۸٪ کتابها پول پرداخت شده است. با همه اینها، طرح مزبور برای کتابخانه‌های زلاندنو درآمد دارد. نمی‌توان پنهان کرد که موفقترین، سالمترین و محبوبترین کتابخانه‌های انگلستان، آنهایی هستند که در مقابل دریافت حق عضویت به روی همه بازند. کتابخانه‌های امانی قدیمی نیز که توسط شرکتهای تجارتي، مثل بوتس داروساز، اداره می‌شدند، حق عضویت دریافت می‌کردند و بسیار مردم پسند بودند. کتابخانه‌هایی که حق عضویت دریافت می‌کنند تقریباً مانند يك باشگاه اداره می‌شوند و تأمین آسایش را بالاتر از به کار گرفتن تکنولوژی جدید می‌دانند. ولی این يك واقعیت جهانی نیست. کتابداران کتابخانه لندن، که یکی از دوست داشتنی‌ترین کتابخانه‌هاست، نقل می‌کنند که یکروز با آنچنان سرعت چشمگیری کتابی را برای لرد کوئتون، رئیس هیئت مدیره کتابخانه بریتانیا، فراهم کردند که از با تعجب گفت: «این درست مثل کیپ کندي است.»^{۴۳} دیر یا زود، می‌توان روی مبلهای راحت نشست و از کامپیوتر استفاده کرد و بدیهی است کتابخانه‌هایی که حق عضویت می‌گیرند، آسان‌تر از سایر کتابخانه‌ها از عهده تهیه این جور چیزها برمی‌آیند. کتابخانه لندن سال گذشته، معادل ۲۳۰۰۰ پوند مازاد بر احتیاج داشت. با این مبلغ می‌تواند در سال ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کتاب تازه تهیه کند و اموال بادآورده فوق‌العاده‌ای، چون مجموعه جلد شده روزنامه تایمز را از قصر بوکینگهام، بدست آورد. با حق اشتراك سالانه ۷۵ پوند، جمعیت به کتابخانه كوچك میدان سنت جیمز سرازیر نمی‌شود ولی کتابخانه‌های دیگری هستند که می‌توانند در محیطی آرام مجموعه وسیعی در تمام زمینه‌ها در اختیار اکثر مردم بگذارند و فقط سالانه ۱۰ پوند حق اشتراك بگیرند. این کتابخانه‌ها اغلب گمنام و ناشناخته هستند ولی نمی‌توان آنها را غیر دموکراتیک خواند. شواهد نشان می‌دهد که اتفاقاً کسانی که حق عضویت می‌پردازند، بیشتر به کتابخانه و مسایل آن احساس نزدیکی می‌کنند و هر وقت نیاز باشد با رغبت بیشتری آماده کمک هستند. بعد از همه اینها، باز هم این سؤال مطرح است که مردم در آستانه قرن بیست و یکم از کتابخانه چه انتظاری دارند. طرح استراتژیک کتابخانه بریتانیا برای دهه ۱۹۹۰ اولویتها را به سادگی برشمرده است: ساختن يك مجموعه جامع مورد نظر نیست، بلکه هدف تأمین «دسترسی جامع به دانش» و «توزیع سریع اطلاعات» و رساندن آن به متقاضی (= مصرف کننده) است، همانگونه که مک‌دونالد، همبرگر را به مشتری می‌رساند. به گفته رئیس انجمن

کتابداران فرانسه، قرار است کتابخانه ملی فرانسه به شکل يك مغازه شبانه‌روزی اداره شود. کتابخانه کنگره اخیراً «هفت ارزش جدید» برای کارمندان خود معین کرده است که دو تای اول آن عبارتست از: «خدمات» و «کیفیت». اینها ظاهراً موارد مورد تقاضای انسان عصر جدید از کتابخانه خویشتن است.

دانیل بورستین^{۴۴} رئیس هوشمند و متفکر سابق کتابخانه کنگره، با این فرضیه مخالف است. او معتقد است: «اطلاعات جزئی و پوچ ما را اشباع و گیج می‌کند. سیل پیامهای گوناگون همه منافذ آگاهیهای ما را پر می‌کند و در عوض معرفت و شعور را بیرون می‌راند. زیرا درحالی که دانش مداوم و فزاینده است، اطلاعات تصادفی و متفرق هستند.» در آینده وظیفه مهمتر کتابخانه‌ها تأمین و ارائه اطلاعات نیست بلکه «انتخاب» بهترین است؛ تلاش برای گردآوری همه چیز نیست، (کاری که بی‌ثمر بودن آن مسلم است) بلکه جداکردن اطلاعات ارزشمند و لازم از اطلاعات بی‌ارزش و غیر ضروری است، خواه مطالب در کتاب، روی دیسک، نوار یا پارشمن باشد. به اعتقاد برخی، این صدای پای سانسور است و به نظر برخی دیگر این یعنی بازگشت به روزهای «تقدس والای معرفت» که علم، محتاطانه بوسیله تئو چند به عده‌ای بسیار منتقل می‌شد. آنچه برای اهل علم ارزشمند بود، برای عوام کشمکش آنی نداشت. اینجا دوباره کامپیوتر به کمک می‌آید. «اطلاعات» به معنی اخص می‌تواند به طور فزاینده‌ای از طریق خدمات تلفنی، خدمات اخبار کامپیوتری و یا مخزنهای تمام کامپیوتری اوراق اطلاعاتی تأمین شود و کتابخانه‌ها می‌مانند که وظایف اصلی خود را ادامه دهند: تأمین و ارائه دانش. این همان کاریست که موزه‌ها و گالریها با رعایت اصول انتخاب و دموکراسی انجام می‌دهند. آنجا هم انتخابهای زیادی صورت می‌گیرد و بنظر نمی‌رسد که عامه مردم بدان اعتراضی داشته باشند. کتابخانه‌هایی از این دست، همانگونه که فرانسیس بیکن، به بادللی گفت: «همچون کشتیهای نوح‌اند که آمده‌اند تا دانش را از خطر طوفان برهانند.» با وجود تمام مشکلات مالی و تکنولوژیکی، حالت رازآمیز کتابخانه‌ها شادمانه حفظ شده است. یونانیان کتابخانه را بیمارستان اندیشه می‌انگاشتند، مکانهایی برای تقویت روح بوسیله آرای کهنه و نو. در تاریخ غرب هم کتابخانه مکانی است که در آن تفکر آدمی می‌تواند از قید لباسهای تنگ سنتی یا مد روز آزاد شود و خود را در دنیایی متفاوت و روحبخش رها سازد. شانس دستیابی به اندیشه‌های گوناگون و سیاحت در بین افکار چند بعدی، مطبوعترین لذتی است که کتابخانه به انسان می‌دهد. در کتابخانه باستانی اسکندریه، رصدخانه آزمایشگاه و باغ وحش وجود داشت و کتابخانه امروزی اسکندریه هم قرار است

«آسمان نما» داشته باشد.

کتابخانه‌ها به نظر سازندگان و حامیان آنها مکانهایی خاک گرفته و متحجر نیستند بلکه موجودات زنده‌ای هستند که همچون دانش رشد می‌یابند. حتی معمار کتابخانه بریتانیا که به خاطر عدم درک ماهیت کتابخانه شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت، کارش را با کلیساهای قرون وسطی که در دوران حیاتش هرگز پایان نخواهد یافت یا شهری که هرگز تکمیل نخواهد شد، مقایسه می‌کند. او می‌گوید: «این يك ساختمان نیست، بلکه مخلوقی زنده است.» در عصر جدید، شبکه‌های کامپیوتری دانش هم این اصول را تأیید می‌کنند. جهان در انتظار است.